

نشست های علمی تخصصی پژوهشکده حج و زیارت

مطالعات راهبری

(۸)

تحلیلی بر کارنامه و روندهای پژوهش های اجتماعی و فرهنگی اربعین و عاشورا

ارائه دهنده:

دکتر سیدمجید امامی

۱۳۹۹/۶/۲۰

پژوهشکده حج و زیارت

گروه مطالعات اجتماعی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پژوهشکده حج و زیارت برگزار می‌کند:

تحلیلی بر کارنامه و
روندهای پژوهشهای اجتماعی و فرهنگی
اربعین و عاشورا



نشست
علمی

با حضور استاد ارجمند: دکتر سیدمجید امامی
عضو هیات علمی دانشگاه امام صادق (ع)
و عضو بنیاد بین المللی اربعین پژوهان
دبیر علمی: حجت الاسلام دکتر محسن محمدی

زمان: پنجشنبه ۲۰ شهریور / ۱۳۹۹ / ساعت ۱۱:۰۰ الی ۱۳:۰۰

مکان: ۷۵ متری عمار یاسر / خیابان شهید قدوسی / نبش کوچه ۱۱
ساختمان حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت / طبقه ۵

دیباچه

تولید علم و پیشبرد آن منحصر در تدوین کتاب یا مقاله نیست؛ بلکه بسیاری از قدم‌های مؤثر در کرسی‌های آزاداندیشی و نشست‌های علمی برداشته می‌شود. از این رو پژوهشکده حج و زیارت - همسو با اهداف پژوهشی تعیین شده و تولید آثار متعدد و متنوع، در قالب کتاب، مقاله، نرم افزار و... - به برگزاری نشست‌های علمی با حضور نظریه پردازان و اندیشمندان عرصه حج و زیارت اقدام کرده است.

یکی از عرصه‌های مهم مطالعاتی در این باره، مطالعات راهبردی است که به سیاست بین‌الملل، ژئواستراتژی، دیپلماسی و همکاری‌های بین‌المللی، اهداف و ساختارهای سازمانی، محیط‌کاوی راهبردی و بررسی مسائل در راستای تحقق مأموریت‌ها در عرصه حج و زیارت توجه ویژه‌ای دارد. مطالعه راهبردی به تبیین و تجویز یک رشته راهبردها، الگوها و طرح‌های راهبردی می‌پردازد و به دنبال ایجاد زاویه دید و نگاه‌های کلان برای مدیران، سیاست‌گذاران و کارشناسان است. مطالعات راهبردی مبتنی بر روش تعاملی و گفت‌وگومحور است و مطالعاتی کلان محسوب می‌شود. از این جهت با برگزاری نشست‌ها و میزگردهای علمی تناسب زیادی دارد.



در این نشست‌ها، آخرین نظریه‌پردازی‌ها در موضوع حج و زیارت مطرح، و در حضور فرهیختگان حوزه و دانشگاه، روحانیون کاروان‌ها و نیز متخصصان رشته مربوطه بررسی و تحلیل می‌شود. پژوهش‌سکده حج و زیارت ضمن قدردانی از نظریه‌پردازان، نقادان و شرکت‌کنندگان در این نشست‌ها، به انتشار مباحث یادشده در قالب کتابچه اقدام کرده تا مورد استفاده علاقه‌مندان و دانش‌پژوهان عرصه حج و زیارت قرار گیرد و روزه‌ای برای اندیشه‌های نو و نظریه‌پردازی‌های جدید در این عرصه شود. امید است این زحمات مقبول حضرت بقیة‌الله الاعظم علیه السلام قرار گیرد.

معاونت پژوهش

پژوهش‌سکده حج و زیارت

سخن دیرجمله

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين

عرض سلام و ادب دارم خدمت اعضای محترم هیئت علمی پژوهشکده حج و زیارت و تشکر می‌کنم از اینکه در جلسه شرکت کردند.

موضوع این جلسه از نشست‌های راهبردی حج و زیارت - که در ادامه نشست‌های سال گذشته برگزار شد و اولین جلسه‌اش در سال جدید است - سیاست‌ها و آسیب‌های پژوهش در عرصه حج و زیارت است.

پژوهشکده حج و زیارت - که پیش‌تر مرکز پژوهشی بود - نزدیک به سه دهه فعالیت کرده و حدود دو هزار اثر بسیار ارزشمند ارائه داده است. این کار در جهان اسلام، حتی در خود عربستان که متولی حج و زیارت است، بی‌نظیر است؛ چنان‌که ایام حج، نمایندگان کشورهای مختلف به بعثه می‌آیند و ضمن درخواست همکاری و تعامل در کارهای پژوهشی، می‌گویند که ما در موضوع حج و زیارت کار نکردیم و لطفاً شما کارهای‌تان را به ما ارائه کنید. بنابراین بعثه مقام معظم رهبری کارنامه بسیار درخشانی در موضوعات



پژوهشی حج و زیارت دارد که هم از جهت مخاطب و هم از جهت موضوع متنوع است؛ هم در عرصه بنیادین و هم در عرصه‌های کاربردی و راهبردی. از این رو باید از تیم پژوهشی بعثه رهبری تقدیر و تشکر کرد.

حال پس از گذشت سه دهه از فعالیت پژوهشی این پژوهشکده، جا دارد که در سیاست‌های پژوهشی عرصه حج و زیارت تأملی شود؛ چراکه مانند دانش‌آموزی که دوران ابتدایی و متوسطه را گذرانده و اکنون به دانشگاه رفته، رشد کرده و همواره در پیشرفت بوده است، این پژوهشکده نیز رشد کرده و وارد مرحله جدیدی شده است که باید کارها، سیاست‌ها و روش‌های جدیدی را در پیش بگیرد؛ هرچند گذشته بسیار پرافتخاری داشته است.

یکی از موضوعات مهم راهبردی، بحث‌های وضعیت‌پژوهی است؛ یعنی وضعیت‌پژوهی راهبردی یکی از بخش‌های مهم مطالعات راهبردی است. در بحث‌های وضعیت‌پژوهی، یک بحث مهم بحث آسیب‌شناسی است؛ یعنی ما اول باید ببینیم چه آسیب‌هایی در کار است تا آن را رفع کنیم، وجود آسیب یا بحث آسیب‌شناسی به معنای نقطه ضعف نیست. ممکن است یک تیمی، یک گروهی، یک مرکزی یا یک سازمانی در جایگاه خیلی خوبی باشد، ولی برای اینکه بتواند وارد مرحله جدید شود، باید آسیب‌هایش را در آن



مرحله شناسایی کند و در رفع آن بکوشد. یکی از سیاست‌های جدیدی که پژوهشکده حج و زیارت باید در دوره جدید در دستور کار قرار دهد این است که با مراکز علمی تعامل حداکثری داشته باشد و ادبیات حج را به ادبیات دانشی تبدیل کند. یک آسیبی هم که به سیستم حج و زیارت گرفته می‌شود این است که حج و زیارت فقط حاجی‌ها و زائران را مخاطب خودش قرار داده است، نه جامعه در درجه اول و نه جامعه نخبگانی را در درجه دوم. این می‌تواند یک فضای جدیدی را ایجاد بکند، یا ورود به موضوعات میان رشته‌ای به هر حال جایش در فضای جدید خالی است و تعاملات علمی بین‌المللی هم می‌تواند در دستور کار قرار بگیرد.

این یک کلیتی بود که من می‌خواستم ذهن‌تان با بحث آشنا شود. حال در این جلسه توفیق شد در خدمت آقای دکتر امامی هستیم. آقای دکتر هم نویسنده و دارای تألیفات متعدد هستند، هم مدیر پژوهشی و دارای سابقه پژوهشی بسیار خوب؛ یعنی هم می‌توانند به ما در بحث‌های برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کمک کنند و هم در موضوعات محتوایی. ایشان هم در دانشگاه امام صادق علیه السلام و هم در مسجد مقدس جمکران سابقه معاونت پژوهش دارند. از ذهن خلاق و ایده‌پردازی برخوردارند. امیدواریم که بتوانیم از مطالبی که می‌فرمایند استفاده کنیم.



سخنان دکتر سید محمد امامی

بسم الله الرحمن الرحيم

توفیق شد تا خدمت شما بزرگواران و اساتید خودم باشم. واقعاً در این مجلسی که سرشار از پژوهشگران علوم اسلامی و به طور مشخص محققان و مؤلفان حوزه حج و زیارت است صحبت کردن برای من خیلی خیلی سخت است و من عذرخواهی می‌کنم. شاید نظر لطف عزیزان دعوت‌کننده به خاطر تمرکزی است که بنده از سال ۱۳۹۲ در حوزه مطالعات اربعین دارم و تقریباً با کارهای برجسته پژوهشی در ارتباط بودم یا در آنها نقش داشتم. ویژگی یا چالش آن آثار هم غالباً جریان‌سازی پژوهشی بود تا پژوهش. همایش‌هایی که در عراق و سپس در ایران برگزار گردید، در چند سال اخیر در قالب انجمن علمی بین‌الملل اربعین جمع شد و در حال رشد است. بنده عضو هیئت‌مدیره این انجمن هستم و از همین جا از شما دعوت می‌کنم که با ما در این انجمن همراه شوید. در واقع یکی از دلایلی که خیلی شوق داشتم حتماً خدمتتان برسم و باز هم اگر لازم باشد خدمتتان می‌رسم، این بود که در مورد انجمن نیز با هم صحبت کنیم.

من عنوان موضوع جلسه را «کارنامه و روند پژوهش و مطالعات اربعین» گذاشتم و



بحثم را از باب مأموریت‌های حاکمیتی تنظیم کرده‌ام؛ یعنی اگر خلائی هست از این باب است و در حوزه مطالعات حج و مطالعات عاشورا و مطالعات مهدویت هم تقریباً مشابه اینها اتفاق افتاده است. البته من مطالبی در حوزه چالش‌ها و خلأهای مطالعات مهدویت و مطالعات عاشورا و مطالعات حج ارائه خواهم کرد که اشتراکاتش بیشتر از اختلافاتش است. آنچه می‌خواهم بگویم اول ناظر بر این است که چه سطوح مفهومی و معنایی در مطالعات اجتماعی اربعین وجود دارد و امثال ما و شما که مأموریت‌های حاکمیتی داریم، از اینها غافل هستیم.

پیش از شروع بحث باید تأکید کنم که به قول نیومن وقتی ما درباره تحقیق در علوم انسانی صحبت می‌کنیم، اساساً دو جبهه از هم جدا می‌شوند: یکی جبهه تحقیقات ناظر بر نص است که حتی می‌توان تحقیقات فلسفی را نیز به آن افزود و گفت: تحقیقات نصی - عقلی؛ مانند تصحیح کتاب المزار مشهدی.^۱

دیگری جبهه تحقیقات تجربی است که به نظر می‌آید در دوران رکود علوم انسانیمان از آن فاصله گرفتیم و به میزانی که از آن فاصله گرفتیم، بین علوم انسانی و جامعه فاصله افتاده است. نیومن وقتی کتاب روش تحقیق معروف خودش را نوشت، عنوان آن ۱. این کتاب فقط یک اثر روایی نیست؛ بلکه مشهدی سعی کرده است کشکولی از مطالعات زیارت در زمان خودش را در آن سامان دهد.



را، با توجه به همین جبهه، چنین گذاشت: روش تحقیق تجربی. این روش، کمی، کیفی و آمیخته است.

روش تحقیق تجربی به امور مجرب کار دارد؛ اموری در عالم که به تجربه انسانی در می آیند؛ برای مثال شما تا وقتی حج را فقط به عنوان یک واجب دینی مطرح، و ابعاد آیات الاحکام آن را در قرآن بررسی می کنید، تحقیقتان یک تحقیق تجربی نیست، بلکه یک تحقیق نصی، تحلیلی و عقلی است؛ اما وقتی که ادراک از حج یا تجربه حج یا حتی میزان احساس وجوب حج و اولویت آن نزد مردم قم یا مردم تهران را پیمایش می کنید - حالا یا کمی یا کیفی یا آمیخته که تفاوت دارد - کارتان کاری تجربی است؛ یعنی شما حج را به مثابه امری که در تجربه رفتاری یا نگرشی یک مسلمان یا غیر مسلمان است مطالعه می کنید.

به نظر من مهم ترین تفکیک در روش تحقیق، همین تفکیک است و آن را بدین جهت مطرح کردم که بگویم من آسیب شناسیم یا گونه شناسیم فقط در حوزه تحقیقات تجربی است و اگر نکته ای هم می گویم از باب مثال است. در اینکه پژوهش های تاریخی مثلاً تاریخ اجتماعی زیارت امامزادگان در دوره معاصر - که ما کارهای منسجمی در این باره نداریم و امروز طرحش را تقدیم آقای دکتر کردم تا اگر بشود به ما کمک کنند - تحقیقی نصی



است یا تجربی، اختلاف نظر است. بعضی‌ها معتقدند تاریخ اجتماعی و تاریخ فرهنگی، لااقل چون با عرصه زیست فرهنگ سروکار دارد و نه احوال و اطوار پادشاهان یا قدما، تحقیقی تجربی است. اگر با مکتب آنان بنگریم، کاری که ما الآن در کشور به شدت به آن نیاز داریم - علی‌رغم کارهای انجام‌شده و کارهایی که حتی ایران‌شناس‌ها دارند انجام می‌دهند - پژوهش درباره تاریخ اجتماعی و فرهنگی زیارت در ایران است. ما پیرامون تاریخ فرهنگی کار نمی‌کنیم؛ بله، ما بهترین تراجم، بهترین سیره و بهترین کارها را در حوزه انساب، مشایخ و نسب‌شناسی یک امامزاده داریم و الآن دستمان پر است. حال اگر کسی در این باره تحقیقی انجام می‌دهد، تحقیق تجربی نیست؛ اما وقتی تصور زیارت بقاع و امامزادگان را در یک دوره‌ای بررسی می‌کنیم (مثلاً دهه ۵۰ مردم برای تفرج به قبرستان‌ها می‌رفتند میوه و ناهار می‌بردند و در قبرستان‌ها پیک‌نیک بود یا الآن مردم خیلی کوتاه به قبرستان می‌روند و سعی می‌کنند زود ندورات خود را پخش کنند و برگردند؛ حتی شاید بچه‌ها و جوان‌ها به نیت تفریح هم به آنجا نروند) اسمش را تاریخ فرهنگی زیارت اهل قبور - که این هم از ابعاد زیارت در فرهنگ زیارت است - می‌گذاریم و این یک تحقیق تجربی است. به نظرم بعضی از خلأها هم اینجا کم‌کم خودش را نشان دهد. ما در تحقیقات تجربی اربعین و مناسکی مانند آن - که فرا مناسک، و یک حرکت بزرگ تمدنی و سیاسی و اجتماعی هستند - در مطالعات اجتماعی از برخی حوزه‌ها غفلت کردیم که اینها در



مشابهاتش در ادبیات غربی انجام می‌شود؛ مانند ایران‌شناسی خارجی‌ها و ایران‌شناسی آمریکایی‌ها. البته من مواردی را از برخی دانشگاه‌ها - مانند دانشگاه آریزونا و دانشگاه دنورا^۱ و از کالج سلطنتی انگلستان برایتان مطرح می‌کنم که در رابطه با اربعین کارهایی جلوتر از ما انجام می‌دهند. متأسفانه در همین عرصه‌های دهگانه‌ای که برایتان می‌خوانم ایران‌شناسان و شیعه‌پژوهان غربی از ما جلوتر هستند. از این‌رو گفته بودم عنوان صحبت‌م را «علاج واقعه» بگذارند؛ زیرا باید علاج واقعه را پیش از وقوع کرد؛ یعنی اگر شما دیدید سه - چهار سال دیگر کنفرانس بین‌المللی انجمن مطالعات دین اروپا^۲ در کنفرانس سالانه‌اش سه یا چهار پنل تحت عنوان مثلاً اربعین و بنیادگرایی شیعی، اربعین و activism شیعی در خاورمیانه، اربعین و افراط‌گرایی، اربعین و بنیادگرایی معنوی برگزار کرد، اصلاً تعجب نکنید و بر محققان غربی خرده نگیرید و نگوئید اینها عامل استکبار هستند؛ بلکه به خودمان خرده بگیریم که در حوزه مطالعات اربعین - که حداقل هفت سال است درکش می‌کنیم و خود الآن پدیده‌ای جاری است - تولید اطلاعات و مطالعات تجربی نداریم. آن وقت انتظار داریم که آنها هم نیایند با نگاه درجه دو، با نگاه سکولار، با نگاه غیر مستقیم و



1. Denver.

۲. از بزرگ‌ترین و تقریباً مهم‌ترین نهاد مدنی مطالعات دین در جهان است و از انجمن مطالعات دین آمریکا نیز قوی‌تر است.

بعضاً با شواهد خیلی معدود، نظریه پردازی‌ها و مقاله‌ها و ژورنال‌های خیلی خیلی پر آب و رنگ بنویسند. این کوتاهی ماست.

من دو سه سال پیش با آقای قریشی الظالمی، رئیس مرکز پژوهش‌های کربلا (وابسته به عتبه حسینی)، دیدار داشتم. ایشان از ما کمک می‌خواست؛ اما متأسفانه برای نگارش به زبان عربی خیلی دستمان خالی است. ایشان گفت ما دو کار می‌خواهیم انجام دهیم که اگر شما کمکمان نکنید از پژوهشگرهای غربی هم شده استفاده می‌کنیم: یکی پیگیری ثبت زیارت اربعین در یونسکو به عنوان میراث ناملموس بشری که خود نیازمند تتبع، پژوهش و مطالعات است و باید به اسنادی مستند گردد.^۱ دیگری تدوین دایرةالمعارف یا دانشنامه اربعین است که حدود ۱۰۰ تا ۱۷۰ مدخل (تاریخی، جغرافیایی، مناسکی، عقیدتی و...) دارد؛ حتی خود زیارةالاربعین، به مثابه متن زیارت منسوب به امام، نیز یکی از مدخل‌هاست. من یک مدخل را برایشان نوشتم.

نکته من این است که علی‌رغم مطرح شدن ماجرای یونسکو، هنوز مطالعات تجربی بسیار بسیار ضعیف است و این فضایی ایجاد می‌کند که غربی‌ها بیایند با داده‌های دست دوم و دست سوم کار کنند؛ برای مثال سال ۲۰۱۲ یک عراقی‌الاصیل به نام آقای همدان

۱. خود کربلا نیز ثبت یونسکو دارد که به نظرم پیش از زمان صدام انجام شده است.

اولین پایان‌نامه درباره اربعین را در مقطع ارشد در دانشگاه آریزونا ارائه داده است. از آن سال تا به حال بالغ بر صد کار مختلف در ژانر پژوهش‌های تجربی در دانشگاه‌های اروپا، آمریکا و ژاپن انجام شده است و همچنان یکی - دو مورد از آنها مشرف بر داده‌های میدانی است. البته آن وجه سکولاریش را اصلاً کار نداریم؛ ولی جالب است بدانید وقتی این پژوهش‌ها انجام شود به شبکه تحقیقات تبدیل می‌شود. سپس اگر دانشجوی خود شما بخواهد روی موضوع اربعین کار کند، مقاله‌ای در کنفرانسی در دنیا ارائه دهد از او خواسته می‌شود که به آن تحقیقات ارجاع دهد؛ چون آنها مطالعات پیشینه اربعین هستند. بنابراین اصلاً تعجب نکنید؛ چرا که شبکه علم، این چنین درست می‌شود. آن وقت شما باید اربعین را از عینک و از منظر آن تحقیقات بشناسید. حال اگر کسی به شما گفت که آقای انسان‌شناس تجربی، آقای جامعه‌شناس دین، آقای پدیدارشناس تجربه معنوی و آقای هویت‌شناس، من خودم در راهپیمایی اربعین حضور داشتم و آن چیزی که تو می‌گویی نبود، شما به او خواهید گفت که نه، حرفت علمی نیست و آنچه من می‌گویم، علمی است؛ چون من باید در شبکه تحقیقات قرار بگیرم. بنابراین تا وقتی ما از حضور و صدور محتوا در شبکه تحقیقات کوتاهی کنیم وضعمان همین وضعیت خوف و رجاست؛ خوف برای آنهایی که مطالب غربی‌ها را رد می‌کنند و می‌گویند اینها نجس است و رجا هم برای غرب‌زده‌هایی که در دانشگاه نشستند و می‌گویند اگر می‌خواهی کار کنی باید



به شش یا هفت کاری که پیش از تو در تجربه معنوی در اربعین شده است، ارجاع دهی. ما معتقدیم باید روی دانشگاه‌ها تمرکز کرد و نهادهایی مثل سازمان حج و زیارت و بعثه محترم مقام معظم رهبری در حج و زیارت باید در این حوزه‌ها سیاست‌های هدایتی و سیاست‌های حمایتی و نظارتی داشته باشند؛ به عبارت دقیق‌تر پدری بکنند؛ نه رقابت با دانشگاه. این مشکل اساسی ما در علوم انسانی ایران است.



یکی از آسیب‌ها کارهای کوتاه و کوتاه‌برد است؛ یعنی تا توانستیم مجموعه مقاله گردآوری کردیم، ولی هنوز در جمهوری اسلامی ایران یک کتاب تحقیقی مستقل درباره اربعین با ژانری که من متخصص می‌گویم (یعنی تحقیقات تجربی)، ارائه ندادیم. البته کار مرحوم آقای صدوقی در اثبات حقانیت اربعین و تاریخ اربعین خیلی عالی است؛ اما باید یک خورده جلوتر از آن کار کرد.

حال این چند عرصه را می‌خوانم:

۱. اربعین به مثابه مشارکت: مشارکت در عمل جمعی؛ مشارکت جمعی یکی از ترم‌های بسیار مهم در حوزه مطالعات جامعه‌شناسی و سرمایه اجتماعی است. اربعین یکی از مهم‌ترین نمودارهای الگوی اسلامی، شیعی و انسانی مشارکت در امر جمعی است. درباره این موضوع پژوهش‌هایی انجام شده است؛ برای مثال خانم دکتر رضانی پژوهشی

درباره مدلسازی مشارکت در امر جمعی در اربعین، در پژوهشگاه مطالعات فناوری تهران انجام داد که کار خوبی بود و من ناظر پروژه بودم. ولی اگر به یک پژوهشگر تجربی (در حوزه روانشناسی، جامعه‌شناسی، مدیریت، گردشگری، اقتصاد و...) در آکادمی‌های غربی یعنی نهاد دانشگاهی غربی، اربعین به مثابه مشارکت را بگویند، قشنگ می‌فهمد. از آن طرف این ماجرا به شدت ماجرای خاصی است؛ یعنی باید اربعین را زیست و با نگاه بومی به آن نگاه کرد (نه نگاه برون‌زا و نگاه سکولار) تا بتوان فهمید مشارکت یعنی چه. این مشارکت نشان‌دهنده بخشی از حقیقت جامعه اسلامی و شیعی است که بعضاً دیده نمی‌شود؛ چنان‌که الآن درجه شاخص مشارکت اجتماعی در جوامع اسلامی خیلی پایین است. حال باید بحث شود که مؤلفه‌های این مشارکت درون‌گرایانه است یا برون‌گرایانه است یا نفع‌طلبانه است یا خیرخواهانه؛ حتی کسی مثل دورکیم وقتی می‌خواست ماهیت جامعه را مطرح کند مجبور شد سراغ ماجرای مشارکت و ایثار برود. ایثار یعنی وقتی یک نفر این قدر از جامعه فاصله می‌گیرد که حتی خودکشی جامعه‌ستیزانه انجام می‌دهد و برای اینکه با جامعه نباشد، حتی خودش را نابود می‌کند؛ البته چنین شخصی شهید نیست.^۱ در مقابل شخصی از بس ذوب در جامعه می‌شود، جانش را از دست می‌دهد؛ مانند شهید.

۱. بخشی از کتاب خودکشی دورکیم در این باره است.



۲. اربعین به مثابه خیر دینی: این سطح معنایی در مطالعات تجربی خیلی جذاب و فریبنده است و پژوهشگران غربی از این منظر به اربعین، حج و زیارت نگریسته‌اند و ما عقب هستیم. حالا بین این دوتا، مفهوم ایثار (گذشتن از خود) را هم بنویسید. ولی آنها معمولاً ایثار را با بحث charity و خیر (خیر دینی و خیر معنوی) مطالعه می‌کنند. اینکه انسان‌ها این‌گونه مال و امکانات خودشان را برای امام، زیارت امام، مظلومیت امام و زائران امام (این یکی خیلی جالب است) هزینه می‌کنند؛ چنان‌که علاوه بر موقوفه‌های بسیار برای خود اماکن مقدس، مردم برای این مسیر معنوی نیز - چه در مسیر داخل عراق و چه در مسیر بیرون عراق - خرج می‌کنند؛ برای مثال افرادی بودند که کاروانسرا یا خانه یا پل وقف کردند.

اینها همان بحث‌هایی است که ما باید در تاریخ فرهنگی زیارت می‌پرداختیم، ولی نپرداختیم و از این رو هم پل و کاروانسرا و خانه از بین رفت و هم آن اعتقاد. من کاروانسراهایی در ایران سراغ دارم که وقف زائر امام حسین علیه السلام بوده، ولی الآن هم کاروانسرا از بین رفته است هم اعتقاد.

حرف من این است که باید خیر دینی مطالعه می‌شد. این یک امر تجربی است و دیگر نیازی نیست که ثواب و استحباب ایثار یا وقف یا حبس یا احسان‌های دیگر را در فقه یا



اخلاق بررسی کرد؛ بلکه باید خود این وقف را مطالعه کرد و ابعاد انسانی و اجتماعی‌اش را فهمید؛ برای مثال ما در این کشور برای نوکر کوزه‌شکسته موقوفه داریم. در زمان قدیم نوکرهایی که می‌رفتند از آب‌انبار آب بیاورند ممکن بود کوزه‌شان بیفتد بشکند و از آنجا که کوزه ارزش داشت، معمولش این بود که نوکر توبیخ می‌شد. از این رو یک شیر پاک خورده‌ای آمد یک چیزی را وقف کرد و گفت که اگر نوکری کوزه‌اش شکست برود از محل این موقوفه یک کوزه تهیه کند تا دیگر توبیخ نشود. این یک خیر دینی و یک امر خیر است. حال چرا الآن چنین وقف‌هایی نداریم و درباره آن گفت‌وگو نمی‌کنیم و از الگوهایش در مدیریت اجتماعی یا مدیریت آسیب‌های اجتماعی‌مان به کار نمی‌گیریم؟ من می‌گویم به دلیل اینکه علوم انسانی و مطالعات تجربی در این کشور مرده است. بنابراین ما باید کتابی مستند در این حوزه بنویسیم (چون تاریخ اجتماعی سند می‌خواهد) و با سند و تحلیل بگوییم که موقوفات ما چه ابعادی از آسیب‌های اجتماعی را مدیریت می‌کرده است.

۳. اربعین به مثابه تجربه معنوی: ویلیام جیمز در مطالعه دین به مثابه تجربه معنوی و تجربه دینی می‌گوید که ما فقط می‌توانیم تجربه دینی را بسنجیم و مطالعه کنیم؛ مخصوصاً با رویکردهای کیفی مثل پدیدارشناسی. تجربه معنوی و دینی یک زائر،



موضوعی بسیار حساس و جالب برای پژوهشگران آکادمیک (دانشگاهی) است؛ اینکه این تجربه چگونه برای او رخ داده و چه چیزهایی را دیده است و چه چیزهایی را انتظار داشته و چه چیزی را گرفته است؟ اصطلاحاً می‌گوییم پدیدارشناسی تجربه زیارت.

۴. اربعین به مثابه مصرف معنویت: معنویت در هرم مازلو^۱ یک نیاز است. این معنویت باید در جایی تهیه بشود یا عده‌ای آن را تولید کنند؛ ولو معنویت دون خوانی کارلوس کاستاندا یا آقای اوشو یا شهرک‌ها و محیط‌های معنوی هندوها در هندوستان^۲. شما وقتی می‌روید به شهرک مدرنی به نام آکشاردام در دهلی، می‌بینید که آنجا دارد یک معنویت صادر و ساطع می‌شود، وقتی می‌روید وارناسی یا همان بنای کنار رود گنگ، در معابد و محافل آنها این معنویت دارد صادر می‌شود.

حال اینکه انواع معنویت‌ها، کارکرد این معنویت‌ها، چگونگی مصرف، چگونگی مواجهه من با این معنویت برای آرامش‌بخشی ذهنی در زیست مدرن چگونه است این را ما به آن

1. Maslow.

۲. من به دلیل علاقه به حوزه مطالعات دین، سه سفر به هندوستان داشتم: در یک سفر فقط درباره هندوها و مظاهر آنها، در سفر دیگر درباره اهل سنت و مظاهر آنها و در سفر بعدی فقط درباره تشیع و مظاهر آنها در هندوستان تحقیق کردم و به شما هم توصیه می‌کنم که اگر خواستید هندپژوهی کنید، این چنین پیش بروید.

می‌گوییم زیارت به مثابه معنویت. نمی‌گوییم زیارت یک امر معنوی، آن جوری که سکولارها می‌گویند، هست؛ بلکه زیارت فراتر از همه اینهاست و اساساً یک امر غیر سکولار است. اما وقتی پژوهشگر دانشگاهی با زیارت اربعین مواجه می‌شود، شما نمی‌توانید جلوی او را بگیرید. خیلی از مقالات هم الآن زیارت اربعین را به مثابه معنویت مطالعه می‌کند؛ به ویژه در مورد نسل جوان که به شدت شیفته این زیارت هستند. این ظرفیت تجربه معنویت از ظرفیت‌های دیگری که ظاهراً در نظام رسمی دین وجود دارد، مستقل است؛ مثلاً در مسجد، هیئت و مانند آنها خیلی پررنگ است. وقتی پژوهشگران - حتی ایرانی - رفتند با جوان‌ها مصاحبه کردند که این زیارت اربعین چه دارد، گفتند معنویت و آرامشی به ما می‌دهد که ما هر جای ایران باشیم می‌خواهیم خودمان را به این مسیر برسانیم.



۵. اربعین به مثابه هویت (چه هویت ملی و فراملی و چه هویت‌های فروملی): هویت ملی مثل اینکه اربعین توانسته است هویت ملی را در عراق احیا کند یا می‌تواند احیا بکند. در دانشگاه درباره این موضوع کتابی به نام «یک امام یک امت» زیر چاپ دارم که مجموعه گفتارها و مقالاتی است در خصوص مناسبات بین هویت و روابط میان‌فرهنگی اربعین.^۱ یکی از دوستان من در مقاله‌اش می‌گوید که اربعین به شدت وجه ملی دارد و لذا

۱. روابط میان‌فرهنگی، روابطی است که بین زائر ایرانی و عراقی ایجاد می‌شود و نیز مباحث هویتی؛ چراکه در ارتباط میان‌فرهنگی خیلی به هم نزدیکند.

شما نگویید امت سازی. عراقی‌ها درکشان از اربعین به لحاظ هویتی این است که اربعین دارد در عراق هویت ملی بازتولید می‌کند.

اربعین هویت امتی هم دارد. ما واقعاً احساس می‌کنیم که با عراقی‌ها برادر هستیم. همچنین احساس می‌کنیم که اربعین، آن عرب‌ستیزی‌ای که نظام روشن‌فکری در صد سال گذشته در کشورمان از مشروطه به بعد بازتولید کرد را مثل آب می‌شوید و می‌برد.



شاهد مثال مطالعات هویت فروملی، هویت جوانان است؛ یعنی جوان عراقی الآن دارد آن هویت جیل الفیساش (نسل فیسبوک) را در اربعین نشان می‌دهد. در یکی از سفرها به عراق در خدمت استاد دکتر کوثری، استاد دانشگاه تهران، بودیم. ایشان در این باره مقاله نوشت؛ ولی هزار تا عکس گرفت و حدود صد تا از آنها را انتخاب کرد و از باب هویت نومردن جوان عراقی، در دانشگاه تهران و نیز در دانشگاه امام صادق علیه السلام به نمایش گذاشت. این عکس‌ها یک سینه سخن داشت. بعد ایشان گفت یک فوتو اسی^۱ بنویسم؛ ولی ما

۱. فوتو اسی یعنی توضیح‌نگاره یا یادداشت زیر تصاویر، یکی از بهترین انواع پژوهش‌ها، نگاشتن کتاب مصور فوتو اسی است.

نتوانستیم حمایت مالی کنیم.^۱

۶. انگیزه زیارت و نسبت ابعاد دینداری با زیارت (انگیزه زیارت و کنش زیارتی): این مورد در حوزه مطالعات جامعه‌شناسی دین خیلی بررسی می‌شود. آقای دکتر پویافر دو - سه تا پیمایش در مورد انگیزه زیارت اربعین انجام داده که گویه‌هایش مشخص است. ایشان در حوزه خیر دینی هم پژوهشی با عنوان «گونه‌شناسی خیر دینی» انجام داد که خیلی کار بزرگی است؛ ولی متأسفانه داده‌هایش را به گروهی - که داوطلبانه و خادمانه آمده بودند - داد تا کار را انجام دهند، اما چون تعهد نداشتند، نصف و نیمه تحویل دادند. به همین جهت از استناد کار کم شد. از این رو ایشان آن را منتشر نکرد.

مردم چند جور خیرات - چه به لحاظ ظاهری و چه به لحاظ انگیزه - انجام می‌دهند؛

۱. یکی از مراکز پژوهشی بزرگ در جهان اسلام، که هزینه آن را جریان حاکم دولت ترکیه می‌دهد، ارسیکا (مؤسسه علم، فرهنگ و هنر جهان اسلام، وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی) است. یکی از کارهای خوب این مرکز پژوهشی، تاریخ مصور مکه و مدینه است که به من هدیه دادند. آنها مدعی‌اند این کار، بهترین کار در جهان اسلام است. من تاریخ مصور حرمین شریفین - که یک جلد است - را به کتابخانه دانشگاه امام صادق علیه السلام اهدا کردم. همچنین آنان مدعی‌اند از روزی که عکاسی اختراع شده، عکس‌های ثبت شده دارند. نیز عکس‌هایی را از ۱۳۰ سال پیش مکه بازسازی کردند که خیلی برای تحقیقات شما قابل استفاده است. البته این وجه تاریخی دارد؛ اما فتوای یک بحث اجتماعی امروزی دارد.



برای مثال بعضی‌ها دوچرخه یا کالسکه تعمیر می‌کنند و بعضی‌ها جارو می‌کنند. ما بالغ بر ۱۸۰ نوع از انواع خیر دینی در اربعین را شناسایی کردیم که برای پژوهشگران مطالعات خیر دینی خیلی جذاب است.^۱

۷. مناسک: مناسک مجموعه‌ای از نمادها، آداب، اطوار و حالات در فضایی خاص است که یک مؤمن و یک کنشگر با اتیان آنها (انجام دادن آنها) به یک هدف و یک ثواب دینی می‌رسد. متأسفانه مناسک حجامان، به خاطر اینکه مطالعات مناسکی نداشتیم، از دست رفته و تهی شده است؛ برای مثال سال‌های خیلی گذشته ما وقتی می‌خواستیم به حج برویم، چاوش خوانی بود؛ حتی برای سفر به مشهد هم چاوش خوانی بود. بعد که به مکه می‌رفتیم، آش پشت پا می‌پختند. اینها هرزه نیست و معنا دارد و آن معنا مهم است. اگر این کنش از آن معنا تهی شود یا کلاً این کنش کنار رود، باید منتظر تغییرات ناخواسته فرهنگی باشیم. حالا اربعین خودش یک مناسک است و جزو مناسک مدرن شیعی است. نگفتم زیارت اربعین نبوده است؛ اما اینکه مردم این جوری بروند، نبوده است. بله، علما و خواص این چنین می‌رفتند. قیام ثورة العشرین (پنجاه سال پیش) در جنبشی شدن تشیع

۱. مؤسسه آلاء با حمایت سازمان اوقاف، چند سالی است در کشور در حوزه مطالعات خیر به صورت تخصصی کار می‌کند. این مؤسسه یک مؤسسه خصوصی فرهنگی - اجتماعی است که با مدیریت خانواده دیانی در اصفهان فعال است.

شیعیان مؤثر بود. لذا اینها با زیارت رفتن مقاومت می‌کردند. در واقع زیارت نوعی مقاومت مدنی، و در دهن صدام و در دهن ظالم زدن بود. این به عنوان جنبش، یک بحث دیگر است. اما مناسکی که الآن به عنوان زیارت اربعین انجام می‌شود، ظاهراً پیچیدگی خاصی ندارد؛ ولی در عین حال ناگفته‌هایی دارد.

پیاده‌روی، استراحت، استیضاف، خدمات گرفتن، خدمات دادن، زیارت رفتن و... از حوزه مناسکی زیارت اربعین است.

۸. اربعین به مثابه جنبش: در مطالعات غربی، آقای فرج حنّاب حمدان در دانشگاه آریزونا زیارت را به مثابه جنبش بررسی کرده و گفته است چطور پیاده‌روی اربعین جنبش شیعیان و مسلمانان عراق پس از صدام است. در واقع اربعین بزرگ‌ترین کنش سیاسی پس‌اصدام در عراق است و این جنبش معنای سیاسی، اکت (کنش) سیاسی و حرف سیاسی دارد. حال چطور به تحریف رفت و چه اتفاقاتی برایش افتاد که امروزه با وجود آیینی مثل اربعین، متأسفانه در عراق تفرقه میان شیعیان حتی از تفرقه بین شیعه و سنی بیشتر است؛ برای مثال شبکه الفُرات شیعی (وابسته به جریان حکیم) در قضایای جنبش علیه حشدالشعبی و نفوذ ایران (هرچند ایران را مستقیم نمی‌زد) از العربیه بدتر بود. به هر حال زیارت اربعین، یک جنبش است و یک اکت سیاسی در آن هست. همراهی و



پیگیری‌ای که عتبات عالیات و مرجعیت بر سر اربعین کردند، در این جنبش نقش داشت و شاید یکی از عواملی که حشدالشعبی را به مثابه مقاومت مدنی در عراق راحت راه انداخت این بود که تجربه همبستگی اربعینی بود؛ البته آسیب‌هایی هم در کنارش هست.

۹. اربعین به مثابه امر رسانه‌ای و هنری: اینکه اربعین در رسانه‌های غربی چگونه پوشش داده می‌شود، این را پژوهشگران حوزه ارتباطات (حوزه نهم مطالعه) باید بررسی کنند؛ برای مثال العربیه دو سال پیش، زیر تصویر غیر زنده راهپیمایی (به صورت زنده پخش نمی‌کنند) نوشته بود: «ملایین شیعی یحجون الی کربلا»؛ «میلیون‌ها شیعه به سمت کربلا حج به جا می‌آورند». ما هنوز نتوانستیم اربعین را پوشش رسانه‌ای بدهیم. من در این باره دو - سه جلسه بحث دارم. ما یک بحثی تحت عنوان «مگا ایونت» داریم. رویداد بزرگ را نمی‌شود با یکی - دو دوربین به صورت زنده پخش کرد. مگا ایونت را باید با مدیا ایونت بازنمایی کرد. هر چند ستاد اربعین سازمان صدا و سیما زحمت می‌کشند و پیاده‌روی اربعین را به صورت زنده پخش می‌کنند، ولی به نظر ما پوشش رسانه‌ای از اربعین در ایران نیست. این عشق مردم که می‌بینید پای تلویزیون گریه می‌کنند به این تصاویر ربطی ندارد؛ بلکه به خاطر محبتی است که به سیدالشهدا علیه السلام دارند و نیز به خاطر مغناطیسی است که اربعین به لحاظ معنوی و فراماده‌ای در جهان اسلام ایجاد کرده و



ان‌شالله با ما خواهد بود و ما باید از آن برای نشر معارف اهل بیت علیهم‌السلام استفاده کنیم؛ حال مدیا ایونت چیست؟ نمونه‌های خیلی کوچک آن همین پوشش زنده افتتاحیه المپیک (که هر ۴ سال یک‌بار انجام می‌شود) است. هرچند این افتتاحیه در یک ورزشگاه هفتاد هزار نفره است و با شصت دوربین پوشش داده می‌شود، ولی والله ما نتوانستیم همین شصت تا دوربین را در این جریان با همدیگر سوئیچ کنیم. درست است آقای سیدحمید حسینی زحمت کشید شصت تا اس‌ان‌جی را به یکدیگر وصل کرد، ولی آن اتفاق حرفه‌ای که باید می‌افتاد، نیفتاد. ما در حوزه رسانه فقط کارهای فنی‌اش را کردیم و در این پنج - شش سال گذشته، فقط تصاویر منقطع بسیاری روی ماهواره و ماکروبو و نودال فرستادیم. حال آنکه مدیا ایونت یعنی همه این هشتاد کیلومتر را به یک واقعه تبدیل کنیم و با هم پوشش دهیم. سیمای جمهوری اسلامی ایران تجربه این کارها را ندارد.

یکی از بهترین هنرمندانی که در این زمینه دیدم، عبدالحمید قدیریان است. ایشان در این ده روز (تا همین امروز و فردا) نقاشی‌های عاشورایی و اربعینی‌اش را در گالری فلسطین تهران (در میدان فلسطین، خیابان مظفر) به نمایش گذاشته است که متأسفانه روزی پنج نفر می‌روند می‌بینند. من چند روز پیش از حاج‌آقای دکتر احمدی خواهش کردم



که به نمایشگاه بروند و از آثار دیدن، و نیز در اختتامیه هم شرکت کنند و بدین طریق به چنین افرادی دلداری دهند. ایشان نیز قبول کردند. ما چنین افرادی در تراز یک، نه تراز دو و سه، کم داریم. البته آقای روح‌الامینی هم عالی است؛ ولی کار نقاشی درجه یک در حوزه اربعین انجام نداده است. آقای عبدالحمید قدیریان حداقل شش تابلوی اربعینی ارزشمند دارد که مشتری پایش است؛ البته ایشان نمی‌فروشد و می‌گوید اینها اربعینی است و مال امام حسین علیه السلام است. خب اینها تحلیل می‌خواهد، نقد می‌خواهد، اشاعه می‌خواهد و از این جور بحث‌ها. بنابراین اگر دانشجویی بگوید من تابلوهای عاشورایی عبدالحمید قدیریان را از منظر فلان مکتب هنری نقد می‌کنم، ما حتماً می‌گوییم این کار را انجام بده. این موضوع خیلی خوبی برای پایان‌نامه ارشد است. اینها مطالعه تجربی است. لذا وقتی مطالعه نمی‌کنیم، اینها مه‌جور می‌شود؛ یعنی هیچ‌کدام نمی‌دانستید که آقای عبدالحمید قدیریان دو تا تابلو را در کربلا و کوفه کشیده و با مکافات به ایران آورده است. نام تابلوی معروفش را «همپای نور» گذاشته است. اربعین را کاملاً الهی می‌بیند و معتقد است اربعین دست هدایت الهی برای ماست که از آسمان به زمین آمده است. ایشان امروزه جزو نفرات اول هنرهای نقاشی رنگ روغن در ایران است. ما متأسفانه یک کتاب فوتو‌اسی چاپ نکردیم؛ البته ستاد فرهنگی اربعین زحمتهایی کشیده، ولی در فضای آکادمی دیده نشده است. از این رو من می‌گویم آقای دکتر احمدی دست شما درد نکند، ولی یک کتاب



نقاشی اربعین چاپ کنید که در دانشکده های هنر دست به دست شود.

۱۰. اربعین به مثابه رویداد و ایونت: این اتفاق و رویداد می تواند در پردازش یک امر فرهنگی تأثیر بسیاری بگذارد.

۱۱. مطالعه اربعین به مثابه نهاد، جماعت و جمعیت: مطالعه درباره جماعت هایی که تشکیل می شود، نهادسازی ای که حول اربعین شده است و نیز درباره موبک هاست. ما تجربه موبک را نداشتیم. تجربه اش را از اربعین گرفتیم. موبک با هیئت و یا با بسیج مسجد فرق دارد و یک نهاد مذهبی کارا و کارگشاست که ما یک نمونه ثمره اش را در قضیه سیل نوروز سال ۹۸ شمسی دیدیم. موبک می تواند منابع و خدمات را تجمیع کند و خدمت رسانی خیرانه انجام دهد. خیریه های ما فقط منابع را جمع می کردند؛ اما موبک می تواند نیروی انسانی را هم سازماندهی کند. همین الان ما بالغ بر هشتصد موبک فعال در کشور داریم که اگر شما الان هم بگویید مراسم اربعین برگزار بشود اینها کارشان را شروع می کنند. اما حرف من این است که روی این موبک ها و روی اربعین مطالعات نهادی انجام نشده است.

۱۲. اربعین به مثابه گردشگری و سفر معنوی: بیشترین مقالاتی که درباره اربعین پیدا کردم در مجلات گردشگری، مانند مجله *religious tourism and pilgrimage*



یا مجله *tourism management perspectives*، چاپ شده است؛ یعنی این منظر خیلی جدی گرفته شده است؛ چراکه ماهیت این زیارت، سفر است. از این رو مطالعات سفر و *pilgrimage*، در کنار توریسم، خیلی فعال است. بنابراین اربعین به مثابه سفر گردشگری معنوی - چون یکی از حوزه‌های مهم دنیا، گردشگری مذهبی است - بسیار اهمیت دارد. روی گردشگری مذهبی از نظر اقتصادی، اجتماعی و تحولات فرهنگی بسیار کار می‌شود.

۱۳. اربعین از منظر مطالعات میان فرهنگی و همزیستی: یعنی اینکه چگونه دو غیر هم فرهنگ در مواجهه با یکدیگر تغییر می‌کنند؟^۱ برای مثال شما تک همسری دارید، ولی عراقی‌ها تک همسری را بی‌عرضگی می‌دانند. این دو فرهنگ به هم می‌خورد و نتیجه این می‌شود که الان در عراق چند همسری - متأثر از اشاعه فرهنگ ایرانی - دارد بد می‌شود. همین موکب خودش یک تماس فرهنگی است. مطالعه این شباهت‌ها و تفاوت‌ها خیلی مهم است؛ اما از همه اینها مهم‌تر، مطالعات همزیستی است. در دنیا یک حوزه‌ای داریم به نام حوزه مطالعات همزیستی که بین حوزه علوم سیاسی و حوزه جامعه‌شناسی است. حوزه مطالعات همزیستی به این می‌پردازد که اگر دو ملت یا دو قوم که حتی با هم مشکل

۱. من پایان‌نامه‌ای در این موضوع نوشتم.

دارند، چگونه مشکلشان را حل کنند؟ این حوزه سطوحی دارد؛ مانند همزیستی‌ای که فقط با هم صلح باشند، همزیستی‌ای که با هم همکاری کنند و

من یک چکیده‌ای به کنفرانس سالانه pilgrimage «مطالعات زیارت» فرستادم و در آن نوشتم ما یک سطح سومی از همزیستی را به شما پیشنهاد می‌دهیم که خیلی بالاتر از همزیستی و تحمل و مدارای قومی است؛ برای مثال الآن شهروند عراقی دارد در کوچه‌ای از شهرمان که اسم شهید روی آن است آسوده زندگی می‌کند. جالب آنکه در منزلی هم زندگی می‌کند که صاحب آن، مادر شهید است و این مادر شهید کیف می‌کند که به این عراقی خانه داده است. عراقی‌ها در ایران زندگی لاکچری دارند و خیلی لذت می‌برند. ما همزیستی را رد کردیم. ما کشته‌هایی که در جنگ ایران و عراق دادیم را برای خدا دادیم. ما نمی‌گوییم عراقی‌ها کشتند؛ بلکه می‌گوییم آمریکا و رژیم بعث کشت. بنابراین ما یک چیز دیگری به نام «هم‌تجربگی معنوی» داریم؛ یعنی نه فقط ایرانی‌ها و عراقی‌ها در اربعین به هم نزدیک می‌شوند، بلکه معتقدیم ادیان مختلف نیز می‌توانند بیابند در این مسیر و در این تجربه ده روزه یا پنج روزه تجربه مشترک معنوی (من اصطلاحش را spiritual co-experience گذاشتم) پیدا کنیم.

متأسفانه یک چالش ما این است که کلاً از حوزه مطالعات تجربی اربعین، عاشورا و



حج، نمره زیر ده می‌گیریم. بله، گروهی از شاگردان خانم دکتر شریعتی در دانشگاه تهران به این قضیه ورود کردند و در انجمن جامعه‌شناسی ایران هم حضور دارند و خیلی هم فعال هستند. این گروه با رویکرد انسان‌شناسی (آنتروپولوژی دین) دارند روی این موارد و همچنین مطالعات مناسک کار می‌کنند و بعضاً جریان‌ساز هم شده‌اند. آقای مظاهری هم در همان حلقه قرار می‌گیرد. البته بخشی از کارهای ایشان، مثل تراژدی جهان اسلام، یک کار مروری است، نه پژوهشی؛ یعنی ایشان منبع هر روایتی که درباره عزاداری محرم و عاشورا در آثار ایران‌شناسان و سیاحان و گردشگران بوده را - آن هم عمدتاً به فارسی (البته لاتین هم دارد) - در ۱۵۰۰ صفحه آورده است. ایشان کارهای پژوهشی هم دارد؛ مثلاً شواهد را دنبال کرده است. البته یک پروژه‌ای به نام «مناسکی شدن» دارد که ما با آن چالش داریم؛ هر چند خود آقای مظاهری خیلی محترم، و از دوستان من است. همچنین آقای پویافر و آقای سلیمانیه و دوستان دیگری هم هستند؛ ولی انصافاً خود خانم شریعتی به این موضوع خیلی علاقه دارد؛ هر چند تجربه سفر اربعین را ندارد و این باعث یک سری سوگیری‌ها در بعضی مواضع و پژوهش‌ها شده است.

من دو کار برایتان آوردم: یکی کار ۲۰۱۲ که همان پایان‌نامه فَرَج حمدان بود و گفتم خیلی کار اولیه و ساده‌ای است و برای شما اصلاً ارزش خواندن هم ندارد (چکیده‌اش را



بخوانید کافی است): دیگری کار ۲۰۲۰ که مقاله‌ای است با عنوان «از پیوست به یک چهره مقدس تا سرسپردگی به یک مسیر مقدس» که در فصلنامه دین (religious journal) - که فصلنامه معتبری است - چاپ شده است. جالب اینکه این مقاله را یک گروه ایرانی انجام داده‌اند: آقای عادل نیکجواز مشهد، آقای شریفی تهرانی، آقای کروی و صیامیان. آنها در این مقاله، سرسپردگی به مسیر مقدس را پدیدارشناسی کرده بودند. در این هشت سال در این عرصه‌هایی که به شما گفتم، به عدد انگشتان یک دست حتی در غرب کار نشده است. لذا این از یک جهت برای ما فرصت است. دلیل اینکه آنها کار نکردند این است که نتوانستند خوب بیایند ببینند و همچنین برای آنها هنوز مسئله نشده است؛ ولی به محض اینکه مسئله شود، مطمئن باشید تصرفش می‌کنند؛ یعنی نگاه خودشان را روی اربعین پیاده می‌کنند.



متأسفانه ما در پژوهش‌هایمان تک‌نگاری‌های عمیق پژوهشی و آثار مستقل نداریم و به زبان به فارسی - با آن مجموعه مقالات بعثه و جامعه‌المصطفی - بالغ بر ۲۵۰ مقاله داریم که بیش از سه چهارم آنها یا علمی نیستند یا اساساً مطالعات تجربی نیستند. پس کار تحقیقی جامع هم نداریم. همین کار «یک امام یک امت» هم مجموعه است یعنی همین عیب را دارد. یک کار دیگری در پژوهشکده در حال اتمام داریم - که آن هم ربطی به اربعین

ندارد، ولی به هر حال کمک می‌کند - به نام «بررسی مقایسه‌ای هفت زیارت پیاده در جهان معاصر»؛ یعنی ما امروزه هفت زیارت پیاده در دنیا داریم که سالی یک بار، دو سال یک بار یا سه سال یک بار انجام می‌شود؛ از guadalupe مکزیک گرفته تا هندوستان. ما اینها را بیشتر به مثابه مناسک و به مثابه سفر زیارتی بررسی کردیم. بنابراین شما که در حوزه حج و زیارت متمرکز هستید باید بیایید و روی این موضوعات کار کنید؛ چراکه این کار از عهده افرادی که در جاهای مختلف مشغول هستند، خارج است. البته جامعه‌شناسان و محققان دینی‌ای در ایران هستند که عن‌قرب است کارهای تک‌نگاری انجام دهند؛ مثل حسن محدثی که کارهایش را دیده‌اید. به هر حال ما یک کار مستقل تجربی در حوزه اربعین نداریم؛ به انگلیسی هم نداریم؛ حتی کسی مثل آقای لیاقت تاکیم^۱، پژوهشگر شیعه‌شناس درجه یک دانشگاه دِنور، هم می‌گوید من نمی‌خواهم روی اربعین کار کنم. شیعه‌پژوهان دیگری هم در اروپا هستند که می‌گویند روی این مسئله کار نمی‌کنند. این طرف هم ما کار نکردیم.

چالش دوم این است که ما در حوزه مطالعات حج، زیارت، عاشورا، اربعین و مناسک حمایت و ابزارهای کافی را نداریم. ببخشید این جور می‌گویم. شما استاد من هستید؛

1. Liyakat Takim.

ولی من نمی‌توانم بگویم که ما به ضرس قاطع در آستان قدس - که البته الآن مرکز مطالعات وقف، نذر و زیارت راه انداخته و مدیرش، آقای دکتر اصغری است - یا در همین نهاد مبارک و پربرکت یا در نهادهای دیگر مطالعات زیارت و مناسک، پژوهشگر برجسته و مستقلى داریم که رویکرد تجربی دارد. عمده پژوهشگران ما رویکرد نصی - تحلیلی علوم اسلامی به معنای (نمی‌گویم اینها اسلامی نمی‌تواند باشد) متن و تاریخ و فقه و احکام دارند و این یعنی ما برای این کار، سرمایه انسانی هم فراهم نکردیم. البته دانشگاه رضوی به جد می‌خواهد ارزشد ناپیوسته مطالعات زیارت تأسیس کند که این یک امید است؛ ولی باز ما در مرکز بنیاد پژوهش‌های آستان قدس و بقیه مراکز پژوهشی‌اش، پژوهشگران با رویکرد تجربی خیلی کم داریم؛ در اقتصاد زیارت داریم؛ در مدیریت راهبردی زیارت یک نفر داریم؛ ولی باز در این نهادهای حاکمیتی، مطالعات انسان‌شناسی اجتماعی نداریم. در دانشگاه‌ها نیز کم و بیش علاقه‌مندان به حوزه دین هستند که باید منتظر باشید کارهایشان - که بعضاً ممکن است وجه سکولار داشته باشد - بیاید.

چالش سوم این است که ما خیلی کم به زبان‌های زنده علم - لااقل عربی و انگلیسی - کار کردیم و تولید متن نداشتیم؛ حتی مقاله‌های دوستانمان (مثل آقای معینی‌پور، آقای



پویافر، آقای دکتر حبیب‌الله بابایی ۱- که از همه ما زبان‌دان‌تر هستند-، آقای همایون، آقای پیروزمند و حتی دوستانی مثل شماها) را کسی حمایت نکرده تا به زبان‌های زنده ترجمه شود. ما خودمان زور می‌زنیم تا چکیده مقالاتمان را هر سال یا هر دو سال به انگلیسی منتشر کنیم.

چالش بعدی عدم ارتباط سازنده با نهادهای بین‌المللی در حوزه مطالعات یا مدیریت فرهنگی، گردشگری و دین است. یک انجمن علمی-گردشگری-مذهبی وجود دارد؛ اما تا آنجا که من می‌دانم هیچ ایرانی‌ای عضو این انجمن نیست تا بتواند برود پند بگیرد و در این باره بحث کند. همچنین خود یونسکو نیز مفصل در حوزه جهانگردی دپارتمان دارد؛ ولی ما نرفتیم در دپارتمان گردشگری‌اش از اربعین بگوییم. ما در بهترین حالت دلخوش بودیم که عراقی‌ها این کار را انجام دهند؛ البته یونسکو هم چنین نگرشی دارد و می‌گوید که عراقی‌ها باید به اربعین بپردازند و اربعین مربوط به میراث فرهنگی عراق است. همچنین ارتباطمان با انجمن‌های گردشگری مذهبی در دنیا (که علمی نیستند، بلکه بیشتر عملی هستند) خیلی کم است. ۲.

۱. کتاب رنج عرفان ایشان، کتاب بسیار خوبی است که به نظرم به انگلیسی هم ترجمه شده است. مطالعات رنج، یکی از حوزه‌های مهم الهیات نوین است.
۲. گفتنی است ما آقای دکتر ایوبی را به یکی از برنامه‌هایمان که در قم برگزار شد دعوت کردیم. ایشان متن خوبی ارائه داد که در کتاب یک امام یک امت آورده شده است.



چالش پنجم عدم حمایت بهینه نهادهای حاکمیتی مثل خود ستاد مرکزی اربعین است. البته از همایش اربعین دانشگاه علامه یک حمایتی کردند که به نظر من اشتباه بود؛ چرا که زمینه مطالعات آنجا اربعین نبود و هنوز هم نیست. متأسفانه برای اینکه در دانشگاه‌ها، مراکز مطالعات اربعین راه بیفتد (نه ده تا، بلکه یکی-دوتا) حمایت‌های پایدار انجام نشده است؛ نه از سوی وزارت علوم، نه از سوی ستاد اربعین و نه از سوی سازمان حج و زیارت و بعثه.

چالش آخر اینکه ما در مطالعات تجربی دین، چالش‌ها و اشکالات معرفت‌شناسی و روش‌شناختی داریم که مانع می‌شود تا تن به آب بزنییم؛ یعنی از ترس اینکه اینها نجس است یا این کار سکولار است کلاً از این کارها دوری می‌کنیم و من این را خالی کردن عرصه می‌دانم و خودم سیره دیگری در این قضیه دارم؛ معتقدم ما می‌توانیم حرفمان را به زبان آنها بگوییم و جایی که به اختلاف می‌خوریم، می‌نشینیم با هم گفت‌وگو می‌کنیم. به هر حال چالش‌های مطالعات تجربی دین گریبانگیر زیارت، مکه، حج و اربعین هم شده است و علی‌رغم اینکه من می‌دانم اینجا از قدیم‌الایام گروه مطالعات حوزه اجتماعی بوده، ولی هنوز نمی‌توانیم بگوییم که کانون و مرکز مطالعات تجربی حج و زیارت، پژوهش‌کده حج و زیارت است یا دانشگاه امام صادق (علیه السلام) یا دانشگاه باقرالعلوم یا پژوهشگاه دفتر



تبلیغات. ما هنوز مرکز خاصی نداریم. حال برای کشوری که سالانه دو میلیون نفر به زیارت اربعین می‌فرستد و اگر عمره را در نظر بگیریم، سالی حدود هفتصد هزار نفر هم به عمره اعزام می‌کند و این حجم از گردشگری معنوی و این اتفاق بزرگ فرهنگی را دارد خیلی زشت است که در این حوزه، مطالعات تجربی نداشته باشد. ما اگر فقط خاطرات یا تجارب معنوی ده درصد حاجیانمان را ثبت می‌کردیم و رویش کارهای انسان‌شناختی و مردم‌شناختی انجام می‌دادیم الآن در دنیا، مرجع شده بودیم؛ چون آن که حرف اول را می‌زند دیتاست. من یک دوره چهل روزه در سربازخانه بودم. آنجا دیدم که پشت در دستشویی‌ها و پشت در کمد‌ها، حریم امن سربازی است که با نفرت و ناخواسته به سربازی آمده و زود می‌خواهد برود. لذا یک دفترچه برداشتم و هر چه پشت در نوشته بود را ثبت کردم. به این می‌گویند مردم‌نگاری. اگر عکسی یا چیزی هم بود، سعی می‌کردم توصیف کنم. هنوز شروع نکردم، ولی مطمئنم از دل آن دو تا مقاله علمی-پژوهشی درباره تجربه و ادراک سرباز در دوره آموزشی از سربازی‌اش در می‌آید. البته کلیاتی هم به دستم آمد؛ برای مثال اولین چیزی که به دست آمد مضمون‌رهایی بود؛ یعنی تمام سربازان وقتی به سربازی می‌روند روزشماری می‌کنند که کی این اسارت تمام می‌شود. حال آیا واقعاً ما نمی‌توانستیم یک دستیار در بعضی از کاروان‌ها بفرستیم تا تجارب مردم را ثبت کند؛ برای مثال چرا مردم به حج می‌آیند و چرا وقتی برمی‌گردند در زندگی فرهنگی-دینی



آنها اتفاق بزرگی نمی افتد؟ انگیزه حج چه بوده است؟

متأسفانه ما در پژوهش‌شده‌های حاکمیتی با مطالعات تجربی قهر کردیم. پژوهش‌شده‌های غیر حاکمیتی و نهادهای علمی ظاهراً دانشگاهی هم درگیر سکولاریزم و سکولاریزاسیون هستند. ما هنوز نتوانستیم یک کار پژوهشی خوبی ارائه بدهیم و هنوز که هنوز است، حسین وارث آدم آقای شریعتی روی مطالعات عاشورایی آکادمیک در ایران - برای آنهایی که خیلی می‌خواهند امام حسینی نگاه کنند - حکم فرماست.

ببخشید از تصدیعی که شد و شرم‌نده هستم از اینکه این قدر پرحرفی کردم.

آقای خامه‌یار: من دوتا تعلیقه داشتم: یکی درباره پوشش خبری العربیه که اشاره فرمودید که تعبیر «یحجون الی الکر بلا» را به کار بردند. من یادم هست پس از سقوط صدام، مرحوم شهید محمدباقر حکیم به عراق برگشت و در حرم امام حسین علیه السلام سخنرانی تاریخی کرد که مستقیم پخش شد و خیلی با استقبال مردم مواجه شد. ایشان هم آنجا عبارت «یحجون الی الحسین» را به کار برد. می‌خواهم بگویم که حتی یک سری از علما و مراجع و نیز مردم عامه و مذهبی‌ها هم می‌خواهند اربعین را به حج تفسیر کنند.

دکتر امامی: آن گفتمان العربیه را باید دنبال کرد. سیاست رسانه‌ای گفتمان العربیه این است که شیعیان، اربعین را در مقابل حج بنا کردند. من فقط مثال زد.



آقای خامه‌یار: من می‌خواهم بگویم در خود جامعه شیعه هم این وجود دارد و عده‌ای تلاش می‌کنند که اربعین را بر حج تفضیل دهند؛ به ویژه پس از حادثه منا.

دکتر امامی: به لحاظ مناسکی مطلقاً جایگزین نمی‌شود، ولی به لحاظ کارکردی می‌تواند جایگزین شود. ما می‌گوییم حج در احیای امت اسلامی، کارکردهایی داشته که به دلیل مدیریت سوء، بخشی از جهان اسلام و آل سعود محقق نشده است. ما آن کارکردها را هر جای دیگر محقق شود، دنبال می‌کنیم؛ ولی نگاه او (العربیّه) پدیداری و مناسکی است؛ می‌گوید ما اینها را حج راه نمی‌دهیم، از این رو رفتند بدعت کردند. باید از نگاه اهل سنت هم به این قضیه نگریست. اهل سنت به شدت ظاهرگرا هستند؛ اما ما خیلی باطنگرا هستیم و وقتی ضریحی را می‌بوسیم واقعاً حس نمی‌کنیم که این آهن را می‌پرستیم و حس پرستش به ما دست نمی‌دهد. آن کلام، آن اعتقادات و آن فرهنگ، به لحاظ ظاهرگرایانه، سوء تعبیر و شیطنت است و او این جور شیطنت خودش را انجام می‌دهد. منظور من این بود.

خامه‌یار: بحث دیگر، همین بحث حضور ما در محافل غربی بود که من احساس می‌کنم ما واقعاً یک مقداری خودباختگی در برابر غرب داریم؛ یعنی علاوه بر معیارهای سختگیرانه‌ای که آنها گذاشتند (مثلاً اگر بخواهیم مقاله‌ای ترجمه کنیم نباید قبلاً به



زبان‌های دیگر چاپ شده باشد؛ بلکه باید اولین بار به انگلیسی آنجا چاپ شود)، خودمان نیز به این خودباختگی در مقابل غرب دامن می‌زنیم و یک سری معیارها و ساختارهای شکلیشان را پذیرفتیم؛ بدون توجه به آن قوت و کیفیتی که آنها کار می‌کنند؛ برای مثال خانم استفانی مولدر درباره زیارتگاه‌های شیعه در سوریه کار کرد و کتابی نوشت که چهار - پنج مقاله بیشتر نیست. اما بدون نگاه به اینکه خب این چه نتیجه‌گیری آمده در این از منظر خودشان که مثلاً این مزاراتی که مثلاً شکل گرفته در سوریه حتی مزارات علوی‌ها یا مزارات اهل بیت اینها مثلاً در اصل مزارات قدیس‌های مسیحی بوده است بعد ما به این کتاب در جمهوری اسلامی، جایزه کتاب سال می‌دهیم.

دکتر امامی: در این موضوع کار شده است و یک خانم آمریکایی درباره مزارات مصر رساله دکتری نوشته که خیلی رساله قشنگی است. البته می‌دانید که مزارات به شیعیان اختصاص ندارد؛ به ویژه که آنجا (در اسلام شمال آفریقا) باطنیگری و صوفیگری بسیار رواج دارد. من دنبال کردم ببینم کتاب هم درآورده یا نه، که هنوز چیزی ندیدم.

آقای نجفی: بسم الله الرحمن الرحيم

تشکر. خیلی استفاده کردیم و لذت بردیم. من از آقای دکتر ضیایی همچنین حاج آقای رضایی خواهش می‌کنم با توجه به این اطلاعات مستند، علمی و عمیق، بین فعالیت‌های



ما با این عرصه وسیعی که ایشان می‌گویند پلای ایجاد شود.

دکتر ضیائی: چشم‌ان‌شاالله این کار را انجام خواهیم داد و از ایشان خواهش خواهیم کرد. جناب آقای دکتر محمدی هم در این زمینه مساعدت بکنند.







